

گفتاری پیرامون علامه محمدباقر مجلسی قدس سره  
(۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)

۱۳۹۶/۴/۱  
۲۷ رمضان ۱۴۳۸

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

حضرت حجة الاسلام آقای سید حسن ابطحی امر کردند که به مناسبت سالروز وفات علامه عالی مقدار مجلسی چند کلام در مورد این مرد بزرگ صحبت کنیم. حق این است که همشیره زاده مکرمشان حضرت حجة الاسلام آقای سید مصطفی میرلوحی، ریاست دانشگاه امام صادق علیه السلام امروز شما را به فیض می رساندند، اما مثل اینکه مجلس را در خور شأنشان ندیدند و به من گفتند: خودتان به منبر بروید، و لذا اطاعت کردم.

و اما علامه مجلسی؛ علامه محمدباقر مجلسی متوفای ۲۷ ماه رمضان ۱۱۱۰ق، ۷۳ سال عمر کرده است، تمام عمر علامه مجلسی ۷۳ سال است، بنابراین ۷۳ سال کم کنید از ۱۱۱۰ ولادتش سال ۱۰۳۷ بدست می آید. یکی از شادگردانش در پشت نسخه ای از بحار گزارش وفات مجلسی را اینجور می نویسد که برای شما می گویم. می گوید: علامه مجلسی ۲۷ ماه رمضان از دنیا رفت در حالی که ولادتش هم ۲۷ ماه رمضان بود. یعنی هم ولادت ۲۷ ماه رمضان است و هم وفات. مدت عمرش هم ۷۳ سال کامل. ۴۰ سال از این ۷۳ سال

را بعد از پدرش علامه محمدتقی مجلسی زنده است. پدرش متوفای ۱۰۷۰ است.. پدر متوفای ۱۰۷۰ است، ۳۳ سال با پدرش عمر کرده ۴۰ سال هم بعد از پدرش. همان گونه‌ای که پدر که محمدتقی مجلسی باشد ۴۰ سال بعد از شیخ بهایی از دنیا می‌رود. شاگرد شیخ بهایی است مولا محمدتقی مجلسی و ۴۰ سال هم بعد از جناب شیخ بهایی از دنیا می‌رود، بنابراین وفات شیخ بهایی که بعد از یکی دو سال پس و پیش نقل می‌کنند روی این حساب می‌شود ۱۰۳۰ق.

شاگرد مجلسی می‌نویسد که ایشان روشش این بود صبح‌ها و مغرب و عشاء نماز را در مسجد جامع اصفهان می‌خواند، همه می‌دانید کجاست، ظهر و عصر نمازش را در خانه‌اش می‌خواند. از پیش از ظهر تا نزدیک اذان برای رفع دعاوی و دعوای مردم می‌نشست که دعوای را حل کند. اون موقع دادگستری و عدلیه نبود، مردم می‌آمدند پیش علما تا رفع خصومت‌ها را بکنند، و لذا می‌گوید از صبح تا پیش از ظهر برای این ماجرا می‌نشست و حکم می‌کرد و قضاوت می‌کرد. مدت ۱۲ سال شیخ الاسلام بود یعنی از سال ۱۰۹۸. شیخ الاسلام، مرجعیت رسمی زمان صفویه است. پادشاهان صفویه از همان ابتدای تأسیس یک منصبی را قرار دادند به نام منصب شیخ الاسلامی. این منصب شیخ الاسلامی، یعنی مرجعیت رسمی وقت. مرجعیت شیعه که حکومت هم آن را به رسمیت می‌شناسد. و در احکام شیخ الاسلام‌ها هست که حکم آنان نافذ است حتی بر علیه شاه. یعنی اگر یک حکمی بر علیه شاه هم کرد، باید حکم اجرا شود. مثلاً گفت در دعوایی حق را که شاه یک طرف دعوا بود بر علیه شاه حکم کرد، حکم نافذ است. اگر مثلاً گفت شاه عرق خورده شلاقش بزیند، حد شرب خمر، نافذ است. یعنی حکم شیخ الاسلام در عصر صفویه حتی بر حکم شاه مقدم است، باید اجرا شود.

جناب مجلسی ۱۲ سال شیخ الاسلام بود. شیخ الاسلام‌های زمان صفویه زیادند، اولین شیخ الاسلام محقق کرکی است، محقق ثانی است صاحب جامع المقاصد، ایشان اولین شیخ الاسلام است، همو که مؤسس حوزه علمی شیعی اصفهان است. حوزه علمیه شیعه اصفهان را محقق کرکی تأسیس کرده است در قرن دهم. متوفای ۹۴۰ است. بعد محقق کرکی همین جور دیگران رسیده‌اند به منصب شیخ الاسلامی، از جمله جناب شیخ بهایی، سید

محمدباقر میرداماد. بعد شیخ بهایی، شیخ الاسلام می شود.

قبل از جناب مجلسی، سبزواری شیخ الاسلام بوده. محمدباقر سبزواری متوفای ۱۰۹۰ صاحب دو کتاب فقهی ذخیره و کفایه، ایشان شیخ الاسلام بوده بعد جناب مجلسی می شود شیخ الاسلام و مدت شیخ الاسلامی ایشان هم عرض کردیم ۱۲ سال شیخ الاسلام است یعنی مرجعیت رسمی. آنچه که جناب مجلسی را ممتاز می کند، آثار و تألیفاتش است و خدماتی که به مذهب کرده اند، این مرد آنی از زندگیش را به بطالت نمی گذرانده است، از صبح که می آمده یا درس بوده یا رسیدگی به حوائج مردم بوده است یا برطرف کردن دعاوی مردم بوده است تا آخر شب هم همین جور، یا نوشتن کتاب، نسخه، مقابله، تصحیح، این کار جناب مجلسی بوده. حتی دارد شب‌ها که مهمانی می رفته، چون شیخ الاسلام بوده است، شخصیت بسیار محترمی بوده، مردم وعده اش می گرفتند، اگر می رفته در مجالس مردم به عنوان مهمانی، حتی مثلاً شام می رفته خانه یک آقای، وعده گرفته بود، برای مجلسی اتاق جدا مهیا می کردند با شاگردانش می رفته است می نشست مشغول تألیف. سفره غذا که مهیا می شده، مجلسی و شاگردانش می آمدند سر سفره. یعنی اینقدر وقت خودش را غنیمت می شمرده که توانسته این آثار به سرانجام برساند. و لذا شما آثار جناب مجلسی را ببینید چند قفسه کتاب است. به زبان فارسی، به زبان عربی. این مرد تألیف کرده. بحارش که ۱۱۰ جلد است، شرح کافی به نام مرآة العقول دارد در ۲۶ جلد، شرح تهذیب دارد به نام ملاذ الأخیار فی شرح تهذیب الأخبار در ۱۶ جلد. آثار دیگری، هر فنی را شما بگویید از فنون و دانش‌های اسلامی مجلسی در آن تخصص دارد و در آن آثاری دارد. فقط فنی را که در آن کتاب تألیف نکرده است فلسفه هست، به خاطر اینکه جناب مجلسی فلسفه را قبول ندارد. با این حال بی اطلاع از فلسفه نیست. بیاناتی که در کتاب بحار دارد ذیل برخی از احادیث، همان بیانات از آن معلوم می شود که جناب مجلسی فلسفه را هم می داند. و قاعدتاً فلسفه هم خوانده است که می داند که بدون استاد کسی مطلبی را نمی فهمد، بنابراین از فلسفه هم اطلاع دارد اما در فلسفه کتابی تألیف نکرده است.

خدمات این مرد به مذهب اینقدر زیاد است که بعضی از مستشرقین می گویند اگر

مذهب شیعه را دین مجلسی بنامیم صحیح است.

ماه رمضان‌ها در مسجد جامع نماز ظهر و عصر می‌خوانده و منبر می‌رفته. منبرش تفسیر قرآن بوده است. و شاگردش می‌نویسد: در تفسیر قرآنی که می‌گفت، رسید به سوره الرحمن و روز آخرش در سوره الرحمن رسید به این آیه «کل من علیها فان \* وبقی وجه ربك ذوالجلال و الإکرام» و این آیه را تفسیر کرد و بعد از تفسیر این آیه از منبر که می‌آمد پایین می‌نشست سر ترجمه و تصحیح صحیفه سجادیه. صحیفه سجادیه آن دعایی هم که روز آخر تصحیح کرد دعای توبه بود. یک دعا در صحیفه داریم برای توبه. دعای توبه را هم ترجمه و تصحیح کرد و رفت به خانه و مُرد.

نماز جنازه ایشان توسط آقاجمال خوانساری متوفای ۱۱۲۲ خوانده شد. آقاجمال پسر آقاحسین خوانساری. آقاحسین خوانساری و آقاجمال، پدر و پسر، قبرشان هم می‌دانید که، در تکیه خوانساری است. در تکیه خوانساری این پدر و پسر کنار هم دفن هستند. آقاجمال بعد از مجلسی، منصب شیخ الاسلامی به ایشان منتقل می‌شود و نماز جنازه علامه مجلسی را هم آقاجمال خوانده است.

تشییع جنازه هم بسیار شلوغ بوده است، تشییع جنازه جناب مجلسی که همین شاگردش می‌نویسد: وقتی که می‌خواستند جنازه دفن کنند، اولاً: مردم، پارچه‌ای که روی اماره و تابوت بود، تکه تکه کردند و به جهت تبرک و تیمم بردند. و اماره مجلسی در اثر ازدحام جمعیت تشییع‌کنندگان از بس فشار بود، شکسته شد. چون ازدحام جمعیت بود که جناب مجلسی را کنار پدرش در همین مقبره معروفی که همه‌تان رفتید و دیده‌اید و زیارت کرده‌اید، دفن کردند و اصفهانی‌ها این را می‌دانند و لازم نیست برای شما بگویم. همه اصفهانی‌ها می‌دانند که اگر حاجتی دارند بر سر مزار علامه مجلسی حاجتشان را از خدا بخواهند و مجلسی را واسطه کنند در خانه خدا، حاجتشان برآورده می‌شود. حالا هرچه که باشد. یکی رفته بود گفته بود چای و قلیان می‌خواهم. یکی از رفقای خود ما بود، می‌گفت: من مسافر بودم، رفتم گفتم من دلم یک چای و قلیان می‌خواهم، آمدم بیرون، یکی از همان کوچه‌های پشت مسجد جامع داشتم راه می‌رفتم، دیدم یک آقای وسط کوچه گفت آقا تشریف بیارید. گفتم: چکار دارید؟ گفت: آقا ما منبرمان وا افتاده، بیایید بروید بالای منبر. روضه داشت منبرش وا افتاده بود. منبر را رفتم، از منبر آمدم پایین، یک چای و قلیان

فوری گذاشت جلوی من. گفتم ببین ما از مجلسی یک چای و قلیان می‌خواستیم، چای و قلیان رسید، یک پاکت هم به ما داد بابت منبر و گفت مشرف فرمودید.

یک آقای دیگر باز این هم از رفقا بود. می‌گفت آمده بودند سر قبر مجلسی زیارت، ظهر بود و از قم آمده بودند. الآن هم هنوز یکی‌شان از دنیا رفت و یکی‌شان هنوز زنده است. آمده بودند و رفته بودند سر قبر مجلسی و بعد آنجا به مجلسی گفته بودند ما امروز ظهر ناهار حواله کن، یکی به نمایندگی شما به ما ناهار بدهد. این را آنجا گفته بودند و از سر قبر مجلسی آمده بودند، سوار ماشین شده بودند که بروند، من بیچاره و بدبخت هم اینجا نماز را خوانده بودم، می‌رفتم سر تقاطع عبدالرزاق پیچیدم که بروم خانه‌مان، دیدم اینان توی ماشینشون دارند می‌آیند، از رفقای قم بودند، دستی تکان دادیم و چراغ زدند که بایستید بعد سلام و علیک و خب دیگر آنان قمی و ما اصفهان آمده‌ایم و گفتیم ناهار برویم خانه ما و گفتند باشد. تشریف آوردند ناهارشان را آنجا میل کردند و بعد اینکه ناهار را خوردند، گفتند: ما به مجلسی گفتیم یکی را برسان به ما ناهار بدهد تو از آب درآمدی که به ما ناهار بدهی.

غرض اینکه در اصفهان معروف است هر کسی از جناب مجلسی حاجتی را بخواهد به اذن الله برآورده می‌شود حتی مثلاً کارهای سخت را می‌روند سر قبر مجلسی حتی مثلاً دخترها برای باز شدن بختشان می‌روند سر قبر مجلسی آنجا مثلاً می‌گویند سه سوره یس بخوانید تا بخت باز شود.

تا به حال کسی سر قبر مجلسی نرفته است که دست خالی برگرده. وجه و علتش هم این است که این مرد عمرش را به اهل بیت عصمت و طهارت خدمت کرده است. عمرش را خدمت کرده در نتیجه در خانه ائمه معصومین و در خانه خدا آبرو دارد و مردم می‌روند به ایشان متوسل می‌شوند به آبرویی که دارد رفع حوائج مردم را می‌کند.

کتاب‌های فارسی علامه مجلسی را آقایان غفلت نکنند. تمام کتاب‌های فارسی‌اش هم ارزنده است مانند:

- جلاء العیون در تاریخ حضرات معصومین چهاردهگانه و مصائب آنان.

- حق الیقین در اصول دین.

- حلیة المتقین در آداب و سنن.

- حیاة القلوب در سه جلد، جلد اول در انبیاء سابقین و پادشاهان، جلد دوم در تاریخ و احوالات پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)، جلد سوم در احوالات ائمه طاهرین و خلفا.

- ربیع الأسابیع، در اعمال روزها و شبهای هفته.

- عین الحیاة در شرح وصیت رسول خدا به ابوذر غفاری.

علامه مهدوی<sup>۱</sup> ۱۶۴ تألیف برای علامه مجلسی و ۱۶۰ شاگرد را برمی شمارد.

و در کتاب اجازات الحدیث<sup>۲</sup> علامه سید احمد اشکوری ۱۱۵ اجازه حدیث را از وی نقل می کند.

یک سفر مکه رفته، حج واجب. دو سفر مشهد رفته زیارت امام رضا (علیه السلام)، یکی در زمان پدرش و یکی بعد از حشش. دو سال هم در نجف اشرف بوده است. یعنی آنوقت که می خواهد مشرف به حج شود، می رود نجف، دو سال نجف می ماند بعد مشرف به حج می شود، از حج می آید، می رود مشهد را هم زیارت می کند، بعد هم می آید اصفهان، این هم سفرهای مجلسی بوده است. واقعاً کم داریم به مذهب به قدر مجلسی خدمت کرده باشد.

برای شادی روح علامه مجلسی صلواتی بفرستید.

این هم بنا به دستور آقای ابطحی که دایی آقای میرلوحی هستند و دستور دادند برای مجلسی صحبت کنیم.

---

۱. در کتاب: زندگی نامه علامه مجلسی.

۲. در کتاب: اجازات الحدیث التي كتبها شيخ المحدثين ومحبي معالم الدين المولى محمدباقر المجلسي الاصبهاني.